

اولیویه در ایران آغاز دوره قاجار

● محمدرضا ناظری

بخشی از سفرنامه بسیار مفصل اولیویه، در خصوص مأموریت و سیاحت وی در ایران است.

دکتر عزیزالله بیات می‌نویسد: «اولیویه شخصی است که هیأت مدیره انقلاب کبیر فرانسه او را به دربار آقامحمدخان فرستاد تا با دولت ایران روابط سیاسی و تجارتي برقرار نماید، اما وی بدون حصول نتیجه به فرانسه برگشت. سفرنامه او حاوی مطالب سودمند درباره اوضاع سیاسی آن زمان ایران و شرح مظالم آقامحمدخان قاجار می‌باشد.»^۱

در واقع علت واقعی سفر اولیویه به ایران رساندن نامه رسمی و پیام درمیناک، فرستاده جمهوری فرانسه در استامبول، به صدراعظم ایران، حاج ابراهیم خان کلانتر بوده است.

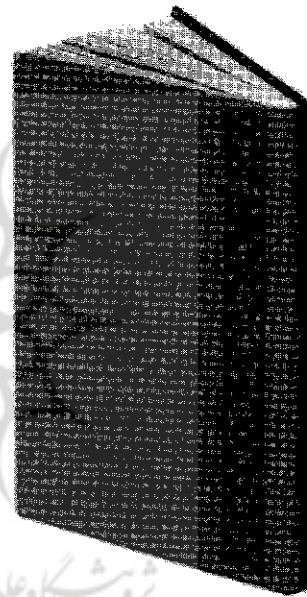
چنان که خود وی می‌نویسد: «بعد از تعارفات رسمی به وزیر حاج ابراهیم خان کلانتر گفتیم بعد از آن که ما چندین جا از ممالک عثمانی را سیاحت کردیم، دولت ما که از سلطنت آقامحمدشاه مطلع شد، ما را به ملاقات وزیر وی فرستاد تا بعضی مطالب را به ایشان بگوییم.»^۲

سفر اولیویه به ایران در سال ۱۷۹۶م. / ۱۲۱۱ ق. (حدود ۸ ماه)، هم زمان با آخرین ماه‌های سلطنت آقامحمدخان صورت گرفت.

این سفرنامه در سال ۱۸۰۷م. / ۱۲۲۲ ق. در فرانسه و دو سال بعد در ۱۸۰۹م. / ۱۲۲۴ ق.، در اتریش به زبان آلمانی منتشر گردید. بخش مربوط به اوضاع و احوال ایران در این سفرنامه، که جلد سوم آن را شامل می‌شود، توسط محمدطاهر میرزا و به دستور نصیرالدوله، وزیرتجارت وقت، از متن اصلی به فارسی ترجمه شد.

مترجم (محمدطاهر میرزا)

محمدطاهر میرزا از مترجمان متبحر دوره ناصرالدین شاه و فرزند اسکندر میرزا، ششمین فرزند نایب السلطنه عباس میرزا بود. وی روز ۱۱ شوال ۱۲۵۰ ق. در تبریز به دنیا آمد. امیرزاده‌ای فاضل و ادیب بود. به اهتمام پدر به تحصیل علوم کمر بست و در علم ادب و کلام عرب ممتاز شد. زبان فرانسه را نیک آموخت



■ سفرنامه اولیویه، تاریخ اجتماعی - اقتصادی

ایران در دوران آغازین عصر قاجاریه

■ اولیویه

■ تصحیح و حواشی: دکتر غلامرضا ورهرام

■ ناشر: اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۱، ۱۲۰۰ ریال

سفرنامه اولیویه یکی از متون مهم درباره تاریخ ایران در مقطع حساس انتقال سلطنت از آقامحمدخان قاجار به فتحعلی شاه است. این سفرنامه نخستین بار به زبان فرانسه و در شش جلد چاپ شده است.

اصل این سفرنامه تنها مربوط به سفر اولیویه به ایران نیست، بلکه دربرگیرنده سیاحت این فرد در ممالک عثمانی، مصر، شام، بین‌النهرین و ایران است که تنها بخش مربوط به ایران توسط محمدطاهر میرزا به فارسی ترجمه شده است. بنابراین، آن چه در ایران به عنوان سفرنامه اولیویه و در یک مجلد منتشر شده، تنها

► دروازه شاه عبدالعظیم، ۱۲۷۷ ه. ق،
از کتاب سفر هئیت سفارت سلطنتی پروس
به ایران، وایدنباخ



آن چه در ایران به عنوان سفرنامه
اولیویه و در یک مجلد منتشر شده، تنها
بخشی از سفرنامه بسیار مفصل اولیویه،
در خصوص مأموریت و سیاحت وی در
ایران است.

اولیویه را که هیأت مدیره انقلاب کبیر
فرانسه به دربار آقامحمدخان فرستاد تا
با دولت ایران روابط سیاسی و تجارتي
برقرار نماید، اما وی بدون حصول نتیجه
به فرانسه برگشت

و از علوم ریاضی نیز بهره کافی برد. سپس به مصر رفت و پنج
سال در «جامع الازهر» به فراگرفتن علوم دینی و زبان عربی
مشغول شد. محمدطاهر میرزا نزد ناصرالدین شاه و بزرگان آن
عصر عزت و احترامی ویژه داشت. او نیز مانند پدر به خدمات
دولتی تمایلی نشان نداد و عمر خود را به مطالعه و تحریر و
ترجمه گذراند.

سرانجام در سال ۱۳۱۶ ق. در اثر سگته درگذشت و در
ابن بابویه به خاک سپرده شد.

محمدطاهر میرزا اکثر رمان‌های الکساندر دومای پدر مانند،
سه تفنگدار، کنت دو مونت کریستو، لارن مارگو، لویی چهاردهم
و عصرش، لرد هوپ و ژیلبلاس تألیف لساژ و کتاب‌های متعدد
دیگری را از فرانسه به فارسی ترجمه کرده است. خود نیز چند
کتاب و نمایشنامه نوشته است.^۲

محتوای سفرنامه اولیویه:

سفرنامه اولیویه (بخش مربوط به ایران)، در یک مقدمه و
ده فصل به شرح زیر نوشته شده است:

فصل اول: حرکت به سوی ایران، شامل شرح سفر اولیویه و
همراهان او از بغداد تا کرمانشاهان و توصیف این شهر، به ویژه
شرح کاملی از طاق‌بستان است. همچنین در این فصل اولیویه
به شرح دیدار خود با حاکم منطقه کرمانشاهان می‌پردازد که
حاوی نکات جالبی درباره برخورد حاکمان ایرانی با اشخاص
خارجی است.

فصل دوم: شامل شرح سفر اولیویه از کرمانشاه تا کاروانسرای
شهرنو، واقع در کنگاور همدان است. اولیویه در این فصل به
شرح آثار باستانی بیستون و کتیبه‌های آن می‌پردازد. از آنجا که
در آن زمان هنوز رموز خطوط این کتیبه آشکار نگردیده بود،
تنها اشاره‌ای به وجود آنها نموده و بیشتر به شرح اشکال و
تصاویر آن پرداخته است.

اولیویه در کنگاور متوجه آثار معبدی قدیمی گردید که به
گمان او، هیچ یک از سیاحان تا آن زمان ذکری از آن نکرده
بودند. بنابراین به شرح بقایای به جا مانده از معبد کنگاور
می‌پردازد.

اولیویه، همچنین شرح نسبتاً مفصلی از اوضاع شهر همدان
نگاشته است و وقایع مهم این شهر را از اواخر دوره صفویه تا
زمان نادرشاه بازگو می‌کند.

فصل سوم: شامل شرح سفر اولیویه و همراهانش از همدان
تا رسیدن به تهران است.

شرح ملاقات اولیویه با حاکم تهران، شرح زندگانی یک
طبيب مجارستانی ساکن تهران و وصف شهر تهران از جمله
موضوعات مهم این فصل است. در واقع سفرنامه اولیویه یکی
از معدود منابع دست اول در خصوص توصیف شهر تهران در
ایام سلطنت آقامحمدخان است. در این بخش اولیویه در مورد
موقعیت شهر، تاریخچه شهر از زمان صفویه به بعد، آب و

سفر اولیویه به ایران در سال ۱۷۹۶م. / ۱۲۱۱ ق. (حدود ۸ ماه)، هم زمان با آخرین ماه‌های سلطنت آقامحمدخان صورت گرفت



بخش مربوط به اوضاع و احوال ایران در سفرنامه اولیویه، که جلد سوم آن را شامل می‌شود، توسط محمدظاهر میرزا و به دستور نصیرالدوله، وزیر تجارت وقت، از متن اصلی به فارسی ترجمه شد

زمان‌های بسیار دور تا زمان دیدارش از آن‌جا، یعنی سال ۱۲۱۱ ق.، به طور مختصر بیان می‌کند.

فصل هفتم: «رسم امکنه ایران». در این فصل اولیویه به شرح جغرافیای طبیعی ایران می‌پردازد. وی پس از بحث درباره ناهمواری‌های ایران و اوضاع طبیعی این سرزمین، از وجود سرمای سخت در زمستان و گرمای بسیار شدید در تابستان ابراز تعجب کرده است. او دلیل سرمای شدید زمستان را ارتفاع زمین و دلیل گرمای شدید تابستان را خشکی مفرط هوا می‌داند. او همچنین به ذکر تفاوت‌های سرزمین‌های ساحلی دریای مازندران با دیگر نواحی ایران پرداخته، اعتدال هوا در نواحی ساحلی را ناشی از رطوبت زیاد و پستی زمین این نواحی می‌داند.

فصل هشتم: «دریای خزر» در این فصل پس از اشاره به وسعت دریای مازندران و محل جغرافیایی آن، فرضیه اتصال این دریا به دریای سیاه در ازمنه بسیار دور و دلایل آن مطرح شده است.

فصل نهم: «شیوه زندگانی مردم». از آن‌جا که اولیویه قبل از مسافرت به ایران در مملکت عثمانی سیروسایحیت نموده بود، در این فصل به مقایسه بین عثمانی‌ها و ایرانیان می‌پردازد، که این کار در نوع خود قابل توجه است.

او می‌نویسد: «مسافر و سیاحی که از مملکت عثمانی به ایران آید، در اول قدمی که به خاک ایران گذارد، مشاهده می‌کند که چقدر فرق و تفاوت میان این دو ملت هست.»^۱ وی در این بخش به مقایسه مسائلی چون خلیقات، نحوه برخورد با بیگانگان، تعلقات مذهبی، آداب و رسوم، آلبسه و زیورآلات، خوراکی‌ها و غیره در بین دو ملت عثمانی و ایران می‌پردازد.

فصل دهم: «اوضاع اقتصادی و تشکیلات لشکری». در این فصل اولیویه ابتدا روند آموزش در دو کشور عثمانی و ایران را مقایسه می‌کند. آموزش افراد، مواد درسی و وضعیت شغلی صاحبان علم موضوعات مطرح شده در این بخش را تشکیل

هوا، جمعیت و صنایع و محصولات آن اطلاعات جالب توجهی به دست می‌دهد.

فصل چهارم: درباره طبابت ایران است. در این فصل اولیویه به شرح ملاقات خود با حاکم تهران پرداخته است. از آنجا که ورود اولیویه به تهران با حضور آقامحمدخان و وزیرش در خراسان هم زمان شد، اولیویه تا زمان بازگشت آنها در تجریش اقامت نمود.

در این بخش اولیویه شرح کاملی از فن طبابت و نحوه آموزش طبابت در ایران ارائه می‌نماید. از آن‌جا که وی به جز مشاغل سیاسی، پزشکی نیز بود، توضیحات او از طبابت و طبیبان ایرانی در آن ایام بسیار ارزشمند است.

فصل پنجم: «دروصف آقامحمدخان». ابتدای این فصل به شرح صعود اولیویه به کوه البرز اختصاص دارد و شامل اطلاعات گیاه‌شناسی فراوانی است. در این فصل وضعیت شهر تهران هم‌زمان با بازگشت سپاهیان قاجار از لشکرکشی به خراسان و نیز نحوه ورود آقامحمدخان به این شهر بیان گردیده است. شرح سیاست‌های ظالمانه آقامحمدخان و چگونگی به قدرت رسیدن او موضوع دیگر این فصل است. دیدگاه اولیویه نسبت به آقامحمدخان منفی است، به طوری که تنها نتیجه مثبت حکومت او را ایجاد نظم و امنیت در مملکت می‌داند.

اولیویه همچنین در این فصل شرحی کامل از ملاقات خود با ابراهیم‌خان کلانتر ارائه می‌دهد، که شامل تقدیم نامه درمیناک (فرستاده مأمور جمهوری فرانسه در اسلامبول) به صدراعظم و سخنانی درباب اوضاع عثمانی و روسیه و روابط ایران با این دو کشور است.

فصل ششم: «دروصف کاشان، قم و اصفهان». اولیویه پس از دیدار با صدراعظم و انجام مأموریت خویش تصمیم به ترک ایران می‌گیرد، اما متأسفانه مسیر بازگشت خود را به طور کامل مشخص نکرده و تنها به حضور خود در شهرهای کاشان، قم و اصفهان اشاره کرده است. توصیف او از شهرهای قم و کاشان فوق‌العاده مختصر است. اولیویه تاریخ شهر اصفهان را نیز از



اولیویه علاوه بر عضویت در هیأت مدیره (دیراکتوار) فرانسه و شرکت در محافل سیاسی، پزشکی نیز بوده است. شغل پزشکی این امکان را برایش فراهم می‌کرد که علاوه بر محافل سیاسی و دیپلماسی ایران، به راحتی با مردم و اشخاص معمولی کشور تماس داشته باشد

می‌دهند.

سپس صنایع و حرفه‌های موجود در ایران، از جمله کهنه‌کاری، معماری، نقاشی، رنگرزی، موسیقی، چرم‌سازی، شیشه‌سازی، نجاری، جواهرسازی و پارچه‌بافی بررسی شده است. در ادامه، اوضاع تجاری ایران، به ویژه رونق تجارت در دوره سلاطین صفویه و مراودات تجاری ایران با کشورهای روسیه، اروپای غربی، عثمانی و هندوستان بررسی شده است. سپس اولیویه به سازمان لشکری آن روز ایران می‌پردازد و در خصوص نحوه جمع‌آوری و تدارکات سپاه، گروه‌های تشکیل دهنده سپاه و سلاح‌هایی که ایرانیان در جنگ‌ها استفاده می‌کرده‌اند، اطلاعاتی ارائه می‌دهد. نویسنده در آخرین بخش کتاب به نیروی دریایی در ایران توجه کرده و می‌نویسد: «ایران را قوه بحریه نباشد. در زمان‌های گذشته در خلیج فارس برای ضبط اعراب داشتند، اما اکنون از آنها هیچ چیزی باقی نمانده است. اما در هر حال از برای ایرانیان بسیار لازم است که در مقابل روس در دریای خزر کشتی به قدر کفایت داشته باشند.»^۵

نقد و بررسی

سفرنامه اولیویه هم به واسطه دوره زمانی خاص آن، همزمان با تأسیس و تثبیت سلسله قاجاریه و هم به واسطه دقت نظر و دیدگاه گسترده نویسنده از اهمیت زیادی برخوردار است. با آنکه حجم سفرنامه (قسمت ایران) زیاد نیست، اما حاوی مطالب بسیاری در باب اوضاع زندگانی مردم، اوضاع اقتصادی، تشکیلات لشکری، نحوه حکومت، وضع تجارت، راه‌ها و وسایل حمل و نقل، وصف آثار باستانی، توصیف شهرها، امور پزشکی، گیاه‌شناسی و گونه‌های حیات وحش ایران است.

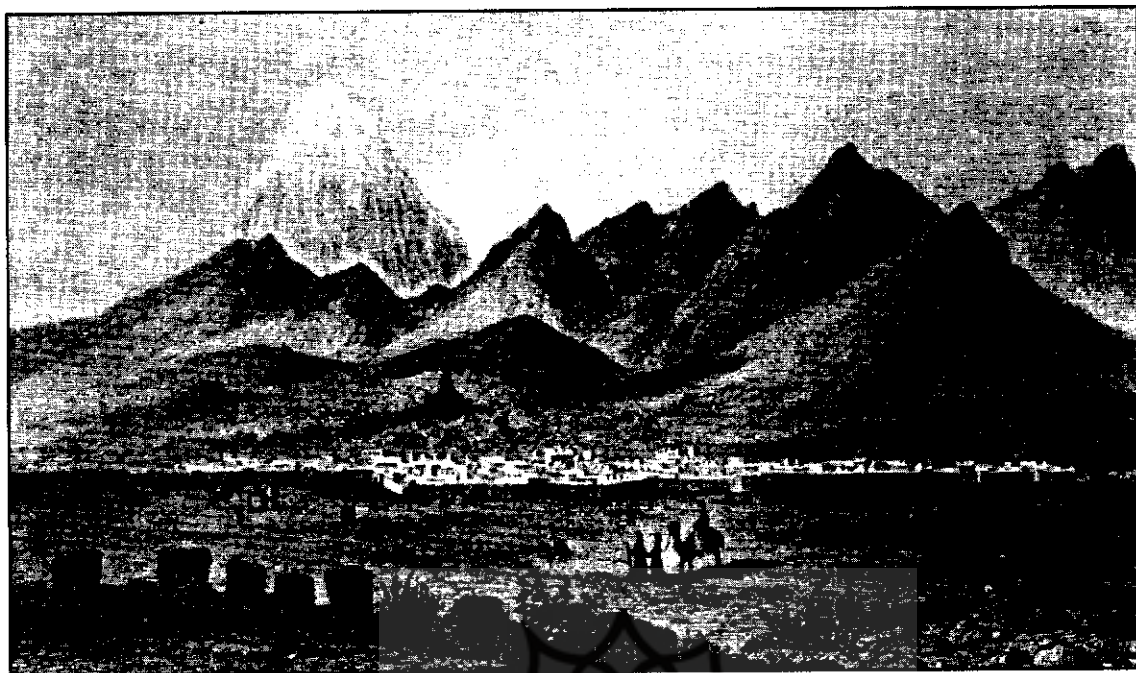
در خصوص وقایع دوران آغازین قاجار، یعنی عصر آقامحمدخان و فتحعلی‌شاه، چندین اثر قابل توجه چون: تاریخ نو (جهانگیرمیرزا)، تاریخ جهان‌آرا (میرزا صادق وقایع نگارمروی)، ناسخ التواریخ (میرزا تقی‌سپهر) و ... وجود دارد. اما از آنجا که این آثار نیز مانند دیگر متون تاریخ سنتی ایران، اغلب بازگو کننده وقایع سیاسی و رویدادهای نظامی هستند و به مسائل دیگر چون مباحث اجتماعی نمی‌پردازند، خلأ قابل توجهی در بازسازی

تاریخ اجتماعی این دوره همچون دیگر دوره‌های ایران احساس می‌گردد. گوشه‌ای از این خلأ را با توجه به چنین سفرنامه‌هایی می‌توان پر کرد.

نثر کتاب ساده و روان است. چنان که می‌دانیم، از اواسط قرن دوازدهم هجری نهضت بازگشت ادبی شروع و طی آن نوشته‌های پرتکلف عصر مغول و تیموری و تشابهات و استعارات سبک هندی کنار گذاشته شد. این حرکت در دوره قاجاریه نه تنها در شعر، بلکه در نثر و به ویژه در ادبیات تاریخی و متون ترجمه تأثیر بسیاری گذاشت. نثر ترجمه این سفرنامه نیز عاری از پیچیدگی‌های ادبی است و با وجود ترجمه بودن می‌تواند نمونه بسیار خوبی از سبک نگارش در دوره نهضت بازگشت ادبی به شمار آید.

از دیگر نکات قابل توجه کتاب، توضیحات مفید مصحح در باورقی‌های کتاب است. یکی از اشکالات کتاب که البته شاید به مترجم آن برگردد، عدم استفاده از تقویم واحد در تاریخگذاری وقایع است. در برخی از موارد از تقویم هجری و گاهی نیز از تقویم میلادی استفاده شده است. متأسفانه مصحح محترم کتاب نیز در برخی موارد که اقدام به تبدیل تاریخ میلادی به هجری نموده، مرتکب خطا گردیده است.^۶

دورنمای تهران در زمان آقامحمدخان قاجار، از کتاب «ایران»، لوی دوبو، ۱۲۵۷ هـ. ق



بیماری‌های گوناگون سرزمین ایران را بررسی کرده و اطلاعات جامعی در اختیار تاریخ پزشکی کشور قرار دهد.^۱ اولیویه به دلیل آشنایی با گیاهان که از لایه‌لای صفحات سفرنامه‌اش به خوبی می‌توان دریافت، از هر فرصتی برای آگاهی بیشتر از گیاهان مخصوص نواحی ایران استفاده کرده و به جمع‌آوری نمونه گیاهان پرداخته است. خود وی گشت و گذارش در کوه‌های البرز را «سفر گیاه‌شناسی» نامیده است.^۲ این دقت و توجه اولیویه کمک شایانی به حفظ اطلاعات مربوط به تاریخ طبیعی ایران نموده است.^۳

فصل‌بندی کتاب «موضوعی» می‌باشد. اما در ذیل موضوعات در برخی مواقع تقسیم‌بندی زمانی نیز صورت گرفته است. یعنی وقایع روزانه به طور جداگانه و با اشاره به تاریخ آن به روز و ماه توضیح داده شده است.

اولیویه تنها به بیان رویدادهای سفر و شرح وقایع اکتفا نکرده است، بلکه در بسیاری از مواقع به تحلیل اوضاع و حتی پیش‌بینی برخی از وقایع نیز دست زده است.^۴ به عنوان مثال درجایی از سفرنامه‌اش دو پیش‌بینی انجام می‌دهد که هر دو نیز با توجه به واقعیاتی که اولیویه طی سفر خود دیده، دور از ذهن نبوده است:

پیش‌بینی نخست شکست ایران از سپاهیان روس، سال‌ها پیش از جنگ‌های ایران و روسیه بوده است. در این مورد چنین می‌نویسد: «... قشون وی (آقامحمدخان) را اسلحه بسیار بد بود. به هیچ وجه از قواعد جنگ سررشته نداشتند. شبهه‌ای نداشتیم که در اولین ملاقات از دولت روس شکست خواهند خورد.»^۵ مورد دوم نیز قتل یا خلع آقامحمدخان بوده است. در این

چنین به نظر می‌رسد که اولیویه قبل از مبادرت به سفر، سفرنامه‌های افرادی را که پیش از او از ایران دیدن کرده بودند، مطالعه نموده است. چرا که در لایه‌لای سفرنامه‌اش به دفعات به یافته‌های متقدمانی چون شاردن، تاورنیه، دوبوشان، سیلوستر دوساسی، پی‌اس پالاس، نیبور و پیترو دل‌واله، اشاره می‌کند. در مواردی نیز یادآور می‌شود که یافته‌های او را به طور مثال، دوبوشان هم در چندین سال پیش برداشت کرده، اما گذشت زمان تغییرات عمده‌ای در اوضاع اجتماعی مردم ایران به وجود نیاورده است. در مواردی نیز تفاوت یافته‌های خود را با یافته‌های دیگران مقایسه می‌کند.^۶

اولیویه با آثار نویسندگان قدیم چون استرابون، پلینیوس، همونیوس، سلا، هردوت، آریانوس، بطلمیوس و غیره آشنا بوده است. به ویژه در فصل «رسم امکنه ایران» و «دریای خزر»، برای روشن نمودن وضع جغرافیایی مناطق مختلف ایران نظر این افراد را ذکر کرده است.^۷

اولیویه علاوه بر عضویت در هیأت مدیره (دیراکتوار) فرانسه و شرکت در محافل سیاسی، پزشکی نیز بوده است. شغل پزشکی این امکان را برایش فراهم می‌کرد که علاوه بر محافل سیاسی و دیپلماسی ایران، به راحتی با مردم و اشخاص معمولی کشور تماس داشته باشد، مسائل و راه و رسم زندگی مردم عادی را بشناسد و نابسامانی‌های داخلی را دریابد. تماس او با افراد معمولی و عامه مردم، اطلاعات ارزنده‌ای برای او به همراه داشته، که مطمئناً از طریق منابع اطلاعاتی رسمی قابل دریافت نبوده است. از سوی دیگر آگاهی او به امور پزشکی، این امکان را برایش فراهم می‌ساخت تا به خوبی روند امراض و

مورد چنین نوشته است: «خود آقامحمدشاه را کسی دوست نداشت. به قدری مکروه رعایای خود بود که هر لحظه می‌رفت سوء قصدی در حق وی به عمل آید. یا بکشند یا خلش کرده و از سلطنت معزولش نمایند.»^{۱۴}

یکی از ایراداتی که می‌توان به اولیویه گرفت این است که متأسفانه از ذکر نام افرادی که در طول سفر با آن‌ها برخورد کرده، خودداری نموده است. به عنوان مثال وی با وجود ملاقات با حاکمان کرمانشاه، تهران، کاشان و بسیاری افراد برجسته، از ذکر نام آن‌ها خودداری کرده است.

اولیویه همچنین اطلاعات دست اولی در مورد وضعیت تهران در سال‌های اولیه پایتختی آن به دست می‌دهد. اوصاف اولیویه از آن سبب حائز اهمیت است که امروزه دیگر از حصارها، عمارات، دروازه‌ها و دیگر ابنیه‌ای که وی نام برده است و محل آن‌ها را به دقت بیان می‌کرده، اکنون اثری نمانده است. اطلاعات مربوط به تهران در دوره آغازین حکومت قاجار بسیار نادر است. بنابراین از آن‌جا که اولیویه مدتی تقریباً طولانی، یعنی نود و چهار روز در تهران و اطراف آن ساکن بوده، اطلاعات او قابل تأمل و اعتنا است.^{۱۵}

نکته جالب توجه برای علاقه‌مندان به تاریخ حیات طبیعی ایران در سفرنامه اولیویه، اوصاف حیوانات و جانوران گوناگون ایران است. از یادداشت‌های او چنین برمی‌آید که امروزه دیگر نسل برخی از این حیوانات از بین رفته است و توضیحات تقریباً مفصلی از انواع حیواناتی که در اطراف جاده‌های کشور و کوهستان‌های ایران به چشم دیده، ارائه می‌دهد.^{۱۶} به عنوان مثال می‌نویسد: «در آنجا (تجربش) جانوران و حشرات الارض بسیاری به دست آمده و آورده، و مرغ‌های خوشگل کشته بودیم. از جمله مرغی که «سبزقا» گویند، شکار کردیم... این مرغ در ماه سپتامبر (مطابق با اوایل سنبله) به طرف جنوب ایران می‌رود و تابستان را در جهت شمالی دریای خزر می‌گذراند.»^{۱۷}

در برخی از منابع، هدف اولیویه از سفر به ایران برقراری روابط سیاسی و تجاری ذکر شده است.^{۱۸} اما از نوشته‌های اولیویه چنین برمی‌آید که وی حداقل پس از دیدن اوضاع ایران، از این موضوع صرف‌نظر کرده است. چرا که پس از پایان مأموریتش در دربار ایران چنین می‌نویسد: «البته با اراده ما بود که اگر می‌خواستیم، تجدید معاهده کرده و عهد می‌گرفتیم که مثلاً فرانسه در اصفهان و شیراز و بنادر فارس مراوده داشته باشند. یقین داشتیم که در واگذار کردن جزیره خارک ... مضایقه نمی‌کردند. اما چه حاصلی از برای ملت فرانسه داشت. چه حاصلی داشت و چه اعانتی می‌توان از ملتی داشت که متصل گرفتار حکومت‌های ظالمانه باشد... اگر می‌خواستیم به استحکام و دوام در مصر اقامت کرده و از آن‌جا جهت تجارت نظر به خلیج فارس افکنده باشیم، در بصره و بغداد تجارت می‌کردیم. واگر

می‌خواستیم دوباره تجارتی در هند شروع کنیم و اگر می‌خواستیم راه مراوده در میان باشد، راه فرانسه در مسقط و بصره بازتر بود... وقتی که تمام روابط مدنیت و انسانیت از هم گسیخته گردد، تبعه ملت خارجی در صورت چنین حکومتی چگونه می‌توانند امیدوار به اقامت و تجارت در چنین محلی باشند.»^{۱۹}

خواندن این اثر به دلیل اطلاعات وسیعی که در اختیار خواننده قرار می‌دهد، برای آشنایی با اوضاع و احوال ایران در اوایل قرن سیزدهم هجری (پایان قرن هیجدهم میلادی)، بسیار مفید است.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- بیات، عزیزالله، شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷، ص ۳۳۶.
- ۲- اولیویه، سفرنامه اولیویه، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۱، ص ۹۹.
- ۳- آریین پور، یحیی، از صباتانیمان: چاپ پنجم، تهران: زوآر، چاپ پنجم، ۱۳۷۲، صص ۲۷۱-۲۷۲.
- ۴- اولیویه، پیشین، ص ۱۵۵.
- ۵- همان، ص ۱۹۰.
- ۶- همان، ص ۲۴. سال ۱۷۹۶ م برابر با ۱۱۸۳ هـ ق آمده، که صحیح آن ۱۲۱۱ هـ ق می‌باشد. همچنین نگاه کنید به ص ۵۰ که سال ۱۷۲۳ م برابر با ۱۱۲۳ هـ ق آمده، اما صحیح آن ۱۱۳۶ هـ ق می‌باشد. البته نباید احتمال اشتباه چاپی را از نظر دور داشت.
- ۷- همان، رک: ص ۳۵۲۵ - ۳۸ - ۶۷ - ۱۰۶ - ۱۰۸ - ۱۴۰ و ۱۴۲.
- ۸- همان، رک: ص ۲۸ - ۳۰ - ۳۱ - ۱۰۵ - ۱۳۹ - ۱۴۰ و ۱۴۱.
- ۹- همان، رک: ص ۷۸ - ۸۳ - ۱۸۷ - ۱۸۸.
- ۱۰- همان، ص ۸۷.
- ۱۱- همان، رک: ص ۳۰ - ۴۸ - ۵۲ - ۵۳ - ۵۶ - ۵۷ - ۷۶ - ۸۸ و ۱۰۴.
- ۱۲- همان، صص ۹۳ الی ۹۶، ۷۴ و ۸۴.
- ۱۳- همان، ص ۹۵.
- ۱۴- همان، ص ۹۵. البته امکان دارد که این مورد جنبه پیش‌بینی نداشته باشد و بعدها توسط اولیویه در حین نگارش خاطرات اضافه شده باشد. چرا که هم‌زمان با خروج اولیویه از ایران، واقعه قتل آقامحمدخان اتفاق افتاده است.
- ۱۵- همان، صص ۶۷ الی ۷۱.
- ۱۶- همان، رک: ۸۹، ۸۷، ۵۷ و ۱۰۹.
- ۱۷- همان، ص ۸۷.
- ۱۸- بیات، عزیزالله، پیشین، ص ۳۳۶.
- ۱۹- اولیویه، پیشین، ص ۱۰۲.